

فصل چهل و یکم

تکرار شریعت

خداوند موسی را از اینکه زمان نصاب کنعان فرا رسیده است مطلع ساخت. نبی سالخورده از بلندبهای شرقی رود اردن زمین موعود را با علاقه فوق العاده ای نگریست و نزد خود فکر کرد آیا حکمی که در قادش شنیده بود لغو خواهد شد؟ با دلگرمی و شوق از خداوند درخواست نمود: "ای خداوند، التماس می کنم اجازه فرمایی از این رود گذشته، وارد سرزمین موعود بشوم، به سرزمین حاصلخیز آنطرف رود اردن با رشته کوه های آن و به سرزمین لبنان. آرزومندم نتیجه بزرگی و قدرتی را که به ما نشان داده ای ببینم. کدام خدایی در تمام آسمان و زمین قادر است آنچه را که تو برای ما کرده ای بکند؟" (۱)

پاسخ آمد: "دیگر از این موضوع سخنی بر زبان نیاور. به بالای کوه برو، از آنجا می توانی به هر سو نظر اندازی و سرزمین موعود را از دور ببینی، ولی از رود اردن عبور نخواهی کرد." (۲)

موسی بدون چون و چرا تسلیم امر خداوند شد. و حالا تنها مسئله مورد توجه او آینده اسرائیل بود. چه کسی مانند او به امور آنان علاقه نشان خواهد داد؟ با قلبی پر دعا کرد: "ای خداوند، خدای روحهای تمامی افراد بشر، پیش از آنکه بمیرم التماس می کنم برای قوم اسرائیل رهبر جدیدی تعیین فرمایی، مردی که ایشان را هدایت کند و از آنان مراقبت نماید تا قوم خداوند مثل گوسفندان بی شبان نباشند." (۳)

خداوند دعای بنده اش را مستجاب فرمود. خداوند بموسی فرمود: "برو و دست خود را بر یوشع پسر نون که روح من در اوست بگذار. سپس او را نزد العازار کاهن ببر و پیش چشم تمامی قوم اسرائیل او را به رهبری قوم تعیین نما." (۴) یوشع که مردی حکیم، قادر و مؤمن بود و مدت مدیدی در خدمت موسی مشغول بود، به سرپرستی قوم برگزیده شد.

وی با تشریفات دست گذاری توسط موسی و خطابه بسیار مؤثر یوشع بعنوان رهبر بنی اسرائیل برگزیده شد و باو اختیار داده شد تا در امور دولتی شرکت جوید. موسی مأمور رساندن پیام خداوند به جماعت اسرائیل در مورد یوشع گردید: "او برای دستور گرفتن از من باید پیش

با العازار سخن خواهیم گفت و العازار دستورات مرا به یوشع و قوم اسرائیل ابلاغ خواهد کرد. به این طریق من آنان را هدایت خواهم نمود." (۵)

موسی قبل از خاتمه وظیفه خود دستور داشت خلاصه ای از تاریخ خلاصی خود از مصر و مسافرت بیابانی قوم و شریعتی را که در کوه سینا اهدا گردید بمردم باز گوید. وقتی شریعت به آنان داده شد تنها عده بسیار کمی از حضار به سنی رسیده بودند که اوضاع و احوال آن ایام را بخاطر می آوردند. حال که موعد آن رسیده از رود اردن بگذرند و سرزمین موعود را تصاحب کنند، خداوند مقررات و شرائط احکام را برای آنان تکرار نمود تا مردم بدانند که موفقیتشان مشروط به اطاعت است.

در حالیکه چهره موسی با نور مقدسی منور شده بود، در مقابل جماعت اسرائیل ایستاد تا آخرین وصیت خود را اعلام دارد. با موئی سفید ولی قامتی کشیده و چشمانی نافذ و چهره ای که کمال صحت و فعالیت را ظاهر می ساخت با احساساتی عمیق محبت و رحمت خداوندی را چنین بیان نمود:

"در تمامی تاریخ، از وقتی که خدا انسان را روی زمین آفرید، از

یک گوشهٔ آسمان تا گوشهٔ دیگر جستجو کنید و ببینید آیا می‌توانید چیزی شبیه به این پیدا کنید که قومی صدای خداوند را که از میان آتش با آنها سخن گفته است مثل شما شنیده و زنده مانده باشد! در کجا می‌توانید هرگز چنین چیزی را پیدا کنید که خداوند با فرستادن بلاهای ترسناک و بوسیلهٔ معجزات عظیم و جنگ و وحشت، قومی را از بردگی رها ساخته باشد؟ ولی خداوند، خدایتان همهٔ این کارها را در مصر پیش چشمانتان برای شما انجام داد. خداوند این کارها را کرد تا شما بدانید که فقط او خداست و کسی دیگر مانند او وجود ندارد." (۶)

"شما کوچکترین قوم روی زمین بودید، پس او شما را بسبب اینکه قومی بزرگتر از سایر قومها بودند برنگزید و محبت نکرد، بلکه به این دلیل که شما را دوست داشت و می‌خواست عهد خود را که با پدرانانتان بسته بود بجا آورد. بهمین دلیل است که او شما را با چنین قدرت و معجزات عجیب و بزرگی از بردگی در مصر رها کند. پس بدانید که تنها خدایی که وجود دارد خداوند، خدایتان است و او همان خدای امین است، که تا هزاران نسل وعده‌های خود را نگاه داشته پیوسته کسانی را که او را دوست می‌دارند و دستوراتش را اطاعت می‌کنند محبت

می نماید." (۷)

از آنجائیکه سوؤ ظن قوم اسرائیل نسبت بموسی بکلی برطرف شده و دیگر او را متکبر و مغرور و خود خواه نمیدانستند آماده بودند که مشکلات خود را با وی درمیان نهند و حال با اشتیاق فراوان بگفته های او گوش فرا میدادند. موسی صمیمانه اشتباهات و گناهان آنان و اجدادشان را تکرار کرد. مکرراً بعلت طولانی بودن سفرشان در بیابان از خود بیصبری نشان داده بودند و در صورتیکه مسؤل آنهمه تأخیر برای اشغال کنعان خود آنان بودند و خداوند از ممانعتهایی که در آزادی آنان پیش میآمد ناراضی بود. لذا با تردید و غرور و لاقیدی که از خود نشان میدادند هنوز آماده دخول بسرزمین کنعان نبودند. بهیچ وجه ممکن نبود آنان نمایندگی خدای بزرگ را بعهدہ گیرند زیرا فاقد خصائص و پاکی و خوبی و مهر او بودند. اگر اجدادشان با ایمان رهبری خدا را پذیرفته بودند و اوامر او را پیروی میکردند سالها پیش امتیاز ورود بسر زمین موعود را بدست می آوردند و مردمانی کامیاب و مقدس و شاد میشدند. تأخیر آنان در دخول بسرزمین موعود مسبب بی حرمتی و اهانت بخداوند در انظار ملل اطراف گردید.

موسی که طبع و ارزش شریعت خداوند را بخوبی درک کرده بود مردم را اطمینان بخشید کشوری نیست که قوانین عاقلانه و عادلانه و رحیمانه ای مانند عبرانیان داشته باشد. وی گفت: «اینک چنانکه یهوه خدایم مرا امر فرموده است فرایض و احکامی بشما تعلیم نمودم تا در سرزمین موعود وارد شده، آن را تسخیر نمودید از این قوانین اطاعت کنید. اگر این دستورات را اجرا کنید به داشتن حکمت و بصیرت مشهور خواهید شد. زمانی که قوم های مجاور، این قوانین را بشنوند خواهند گفت: «این قوم بزرگ از چه حکمت و بصیرتی برخوردار است!»» (۸)

موسی توجه مردم را بروزی که پیش خداوند در کوه هوریب ایستادند جلب کرد و جنود عبرانیان را گوشزد نمود: «هیچ قومی، هر قدر هم که بزرگ باشد، مثل ما خدایی ندارد که در بین آنها بوده، هر وقت او را بخوانند، فوری جواب دهد. هیچ ملتی، هر قدر هم که بزرگ باشد، چنین احکام و قوانین عادلانه ای که امروز به شما یاد دادم، ندارد.» (۹) همان مسائل امروزه نیز ممکن است برای اسرائیل تکرار شود. احکامی که خداوند به برگزیدگان آنزمان خود سپرد پر حکمت و بهتر و انسانی تر از قوانین مترقی ترین کشورهای دنیا بود. قوانین ملل نشانه هائی از ضعف و

شهوآت فاسقین را دارد در صورتیکه شریعت خداوند با مهر الوهیت ممهور گردیده است.

موسی گفت: "خداوند شما را از مصر، از آن کوره آتش، بیرون آورد تا قوم خاص او و میراث او باشید، چنانکه امروز هستید." (۱۰) زمینی را که بزودی باید به شرط اطاعت احکام خداوند تصاحب کنند چنین توصیف شده. وقتی بنی اسرائیل توصیف آن سرزمین موعود را با چنان کلماتی شنیدند قلوب آنان از شادی و احساسات زایدالوصفی مملو گردید و بخاطر آنانیکه بسبب گناهانشان آنان را از ورود به این سرزمین محروم گردانیده بودند متأثر شدند.

"خداوند، خدایان شما را به سرزمین حاصلخیزی می برد، سرزمینی که در دره ها و کوه هایش نهرها و رودخانه ها و چشمه ها جاری است. آنجا سرزمین گندم و جو، انگور و انجیر، انار و زیتون، و عسل است. سرزمینی است که در آن آهن مثل ریگ، فراوان است و مس در تپه هایش به وفور یافت می شود. سرزمینی است که خوراک در آن، فراوان است و شما محتاج به چیزی نخواهید بود، چون سرزمینی که بزودی وارد آن می شوید و آن را تصاحب می کنید مثل سرزمین مصر که از آنجا

آمده اید نیست و احتیاج به آبیاری ندارد. سرزمین کوه ها و دره های پر آب است. سرزمینی است که خداوند، خدایتان خود از آن مراقبت می کند و چشمان او دایم در تمامی سال بر آن دوخته شده است." (۱۱)

"وقتی که خداوند، خدایتان شما را به سرزمینی که به پدرانانتان ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده داده است برسند یعنی به شهرهای بزرگ و زیبایی که شما بنا نکرده اید و خانه هایی پر از چیزهای خوب که شما آنها را تهیه نکرده اید، چاههایی که شما نکنده اید، ناکستانها و درختان زیتونی که شما نکاشته اید، آنگاه وقتی که خوردید و سیر شدید مواظب باشید خداوند را که شما را از سرزمین بندگی مصر بیرون آورد فراموش کنید. . . هوشیار باشید مبدا عهده را که خداوند، خدایتان با شما بسته است بشکنید! اگر دست به ساختن هر گونه بتی بزنید آن عهد را می شکنید، چون خداوند خدایتان این کار را بکلی منع کرده است. او آتشی سوزنده و خدایی غیور است. حتی اگر سالها در سرزمین موعود ساکن بوده، در آنجا صاحب فرزندان و نوادگان شده باشید، ولی با ساختن بت خود را آلوده کرده با گناهانتان خداوند را غضبناک سازید، زمین و آسمان را شاهد می آورم که در آن سرزمینی که با گذشتن از رود

ازدن آن را نصاحب خواهید کرد، نابود خواهید شد." (۱۲)

موسی پس از اعلام عمومی شریعت به نوشتن شرایع و قوانین و احکامی که خدا باو داده بود پرداخت و قواعد تشریفاتی قربانی را نیز باتمام رسانید، کتاب مذکور به مأمورین منتخب سپرده شد و برای حفظ آن در کنار تابوت عهد ذخیره گردید. با اینهمه رهبر بزرگ هنوز هم بیم داشت مبدا مردم از خداوند دور شوند. لذا در خطابه ای بسیار مهیج و محکم بقوم اعلام کرد که در صورت اطاعت و وفاداری برکات خداوند نصیب آنان خواهد شد و در صورت خطا لعنت وی بر آنان نازل خواهد گردید.

"اگر تمام فرامین خداوند، خدایتان را که امروز به شما می دهم بدقت اطاعت کنید، خداوند شما را قویترین قوم دنیا خواهد ساخت و این برکات را نصیب شما خواهد گردانید: شهر و مزرعه تان را برکت خواهد داد. فرزندان زیاد، محصولات فراوان و گله و رمة بسیار به شما خواهد بخشید، میوه و نانتان را برکت خواهد داد. خداوند شما را در همه کارهایتان برکت خواهد داد. خداوند دشمنانتان را در مقابل شما شکست خواهد داد. آنها از یک سو علیه شما بیرون خواهند آمد، ولی در

برابر شما به هفت سو پراکنده خواهند شد. خداوند حاصل دسترنج شما را برکت خواهد داد و انبارهایتان را از غله پر خواهد ساخت. او شما را در سرزمینی که به شما می دهد برکت خواهد داد اگر او امر خداوند، خدای خود را اطاعت کنید و در راه او گام بردارید، او نیز چنانکه وعده داده است شما را قوم مقدس خود خواهد ساخت. آنگاه تمامی مردم جهان خواهند دید که شما قوم خاص خداوند هستید و از شما خواهند نرسید. (۱۳)

اگر به خداوند، خدایتان گوش ندهید و قانونی را که امروز به شما می دهد اطاعت نکنید آنوقت تمام این لعنت ها بر سر شما خواهد آمد. . . خداوند شما را در میان قومها پراکنده خواهد ساخت و مردم با دیدن وضعیتان هراسان خواهند شد و شما در میان قومها رسوا و انگشت نما خواهید بود. . . خداوند، شما را در میان تمامی ملتها از یک گوشه عالم تا گوشه دیگر پراکنده خواهد ساخت. در آنجا خدایان دیگران را که خود می ساختید و نه پدرانتان، پرستش خواهید کرد، خدایانی که از چوب و سنگ ساخته شده اند. در میان آن قومها روی آرامش را نخواهید دید، بلکه خداوند به شما دلهایی لرزان و چشمانی گریان و افکاری

پربشان خواهد داد. زندگی شما دائم در خطر خواهد بود، شب و روزتان با ترس سپری خواهد شد و امیدی برای دیدن روشنایی صبح نخواهید داشت. بخاطر آنچه که می بینید، ترس و وحشت وجود شما را فرا خواهد گرفت. صبحگاهان خواهید گفت: ای کاش شب می شد! و شامگاهان: ای کاش صبح می شد! (۱۴)

روح الهام بر موسی نازل شد و تصاویری از صحنه های ادوار آینده و چگونگی سقوط اسرائیل و تخریب اورشلیم را توسط ارتش روم مشاهده کرد: "خداوند قومی را از دور دستها به سراغتان خواهد فرستاد، قومی که زبانشان را نمی فهمید ایشان مثل عقاب بر شما فرود خواهند آمد. این قوم درنده خو، نه به پیران شما رحم خواهند کرد و نه به جوانانتان." (۱۵)

اضمحلال کامل کشور و شکنجه عظیم مردم در سقوط اورشلیم را توسط تیطوس که قرنها بعد بنا بود انجام گیرد بطور وضوح بیان کرد: "تمام شهرهایتان را محاصره خواهند کرد و دیوارهای محکم و بلند آنها را فرو خواهند ریخت، همان دیوارهایی که فکر می کردید از شما حفاظت خواهند کرد، در آن روزهای سخت محاصره، حتی گوشت پسران و

دخترانتان را هم خواهید خورد. نجیب ترین و دلسوزترین مرد، حتی به برادر خود و زن محبوب خویش و بچه هایش که هنوز زنده هستند ترحم نخواهد کرد. . . ظریفترین و لطیف ترین زن که رغبت نمی کرد حتی نوک پایش را به زمین بگذارد، حاضر نخواهد بود از آنچه می خورد به شوهر و فرزندان محبوبش بدهد. جفت نوزاد و کودکی را که تازه بدنیا آورده، از ایشان مخفی خواهد ساخت تا خودش به تنهایی آنها را بخورد. چنین خواهد بود وحشت گرسنگی و پریشانی در زمانی که دشمنان، شما را محاصره کنند." (۱۶)

موسی نطق خود را با این کلمات شور انگیز خاتمه داد: "زمین و آسمان را شاهد می گیرم که امروز زندگی و مرگ، برکت و لعنت را در برابر شما قرار داده ام. زندگی را انتخاب کنید تا شما و فرزندان زنده بمانید. خداوند خدایتان را دوست داشته، از او اطاعت کنید و به او بچسبید زیرا او زندگی شماست و به شما و فرزندان در سرزمینی که به پدرانان ابراهیم و اسحاق و یعقوب وعده داده است، عمری طولانی عطا خواهد فرمود." (۱۷)

برای اینکه این کلمات پر از حقیقت مؤثرتر بر افکار آنان نقش

بندد آنها را بصورت اشعار مقدس در آورد. سرود مزبور نه فقط تاریخی بلکه نبوی نیز بود. در حالیکه رأفت خداوند را با قوم برگزیده خود در گذشته تکرار میکرد در عین حال وقایح آینده و ظفر مطلق مؤمنین را حین ظهور ثانوی مسیح با قدرت و جلال پیش بینی کرد. وصیت نمود که مردم آن سرود را حفظ کرده به فرزندان و فرزندان فرزندان خود بیاموزند. و در هنگام عبادت باید سرائیده شود و در انجام کارهای روزمره نیز تکرار شود. والدین موظف بودند کلماتش را در مغز جوانان بگنجانند تا هیچوقت فراموش نشود.

چون بنا بود اسرائیلیان بطور خصوصی محافظین شریعت باشند، اهمیت اطاعت آن بر فرزندانشان نسل بعد از نسل باید تأکید میشد. خداوند راجع باحکام خود فرمود: آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه در باره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح. . آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه هایتان بنویسید." (۱۸)

چنانچه در روزهای آینده فرزندانشان سؤال کنند "منظور از این قوانینی که خداوند، خدایمان به ما داده است چیست؟" (۱۹) آنگاه والدین

باید تاریخ رأفت عجیب خداوند را بفرزندانشان بیان کنند یعنی چگونه خداوند آنان را از اسارت خلاص گردانید تا بتوانند او را اطاعت کنند. "او به ما امر فرموده است که تمامی این قوانین را اطاعت کرده، به او احترام بگذاریم. اگر هر چه را خداوند فرموده است با اطاعت کامل انجام دهیم، او از ما خشنود خواهد شد." (۲۰)